بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان - 17 /اردیبهشت/ 1396

بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم
و الحمدلله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا محمّد و آله الطّاهرین.

خوشامد عرض میکنم به همه‌ی برادران و خواهران عزیز. واقعاً جامعه‌ی معلّم یک جامعه‌ی عزیز و محبوب برای هرکسی است که ارزش تعلیم و تربیت را بداند.

ماه شعبان است، ماه توسّل و دعا و توجّه است ؛ مقدّمه‌ی ماه مبارک رمضان است ؛ ماهی است که در دعاهای مأثور این ماه، راه‌های سعادت برای ما روشن شده است. اِلهی هَب لی قلباً یُدنیهِ مِنکَ شَوقُهُ وَ لِساناً یُرفَعُ اِلَیکَ صِدقُهُ وَ نَظراً یُقَرِّبُهُ مِنکَ حَقُّه ... اِلهی هَب لی کمالَ الاِنقِطاعِ اِلَیک. (۲) این آرزوهای والای اولیای خدا است که در قالب الفاظ به ما یاد داده‌اند تا ذهن ما را هدایت کنند به آنچه باید خواست، به راهی که باید پیمود، به نوع ارتباطی که با خدا باید داشت. عزیزان من، جوانان من، معلّمین عزیز! این فرصت را قدر بدانید، از ماه شعبان استفاده کنید. نیمه‌ی شعبان، میلاد مبارک حضرت بقیّةالله (ارواحنا فداه) است. شب و روز واقعاً مبارکی است به برکت این میلاد مقدّس. علاوه‌ی بر این، خود شب نیمه‌ی [شعبان]، یک شب بسیار باعظمت است ؛ بعضی گفته‌اند شب قدر است. یادتان نگه دارید شب نیمه‌ی ماه شعبان را و با دعا، با توسّل، با ذکر، با یاد خدا طراوت ببخشید به جان خودتان ؛ خواسته‌هایتان را با خدای متعال در میان بگذارید، با خدا حرف بزنید.

به مناسبت روز معلّم، یاد شهید عزیز بزرگوارمان مرحوم آیت‌الله مطهّری (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) را گرامی میداریم ؛ حقیقتاً معلّم بود. هم در زبان، هم در عمل، هم در سبک زندگی و شیوه‌ی سلوکِ با زمان و اهل زمان، به معنای واقعی کلمه یک آموزگار و یک معلّم بود ؛ او را از دست دادیم. دشمنان بشر، دشمنان کشور، دشمنان اسلام او را از ما گرفتند، لکن بحمدالله آثار او باقی است. من جدّاً توصیه میکنم -آقای وزیر هم اشاره کردند، کاملاً درست است- از نظرات آن بزرگوار، چه در زمینه‌ی مسائل آموزش‌وپرورش و چه در زمینه‌های دیگر، هرچه میتوانید استفاده کنید، بهره‌مند بشوید ؛ کتابهای ایشان ذهن را هدایت میکند، پرورش میدهد، پُربار میکند از معارف صحیح و متین اسلامی.

بنده درباره‌ی سه موضوع، هرکدام یک چند کلمه‌ای عرض دارم با شما: یکی درباره‌ی معلّم، یکی درباره‌ی آموزش‌وپرورش، یک جمله‌ی کوتاه هم درباره‌ی انتخابات که مسئله‌ی روز ما است که ان‌شاءالله عرض خواهم کرد.

در مورد معلّم، اهمّیّت او اینجا است که همه‌ی جامعه‌ی تحصیل‌کرده‌ی کشور مدیون قشر معلّمند ؛ این چیز خیلی مهمّی است. شما هر انسان فرزانه، آگاه، عالم، تحصیل‌کرده و باسواد را که پیدا کنید، مدیون معلّم است ؛ قشر معلّم یک چنین جایگاهی دارد. همه این را قبول دارند که قدرت و قوّت و اعتبار و آبروی یک کشور، بیش از همه‌چیز به نیروی انسانی آن کشور است. درست است؟ این را همه قبول داریم. خب نیروی انسانی را چه‌کسی درست میکند؟ نیروی انسانی را چه‌کسی نقد (۳) میکند؟ چه‌کسی فعلیّت میبخشد؟ معلّم. ببینید، اینها ارزشها و نشانه‌های واقعی ارزش معلّم است.

چرا این را میگوییم؟ این برای این است که اوّلاً خود جامعه‌ی معلّم، ارج و قرب و قدر این جایگاه را، این شغل را بداند ؛ خیلی مهم است. این حرف بسیار خوبی بود که آقای وزیر گفتند، من حقیقتاً از این حرف لذّت بردم که

معلّمی، صرفاً فقط کارمندی یک اداره نیست، [بلکه] معلّمی یک شأن، یک جایگاه و یک مقام است ؛ این را خود معلّم در درجه‌ی اوّل بداند. ما اگر کرامت خودمان را در هر بخشی بدانیم، تن به پَستی و سُستی و پلیدی نخواهیم داد ؛ این در درجه‌ی اوّل ؛ و بعد، جامعه قدر معلّم را بداند و احترام و تکریم برای معلّم قائل بشود ؛ و سپس مسئولان، این اهمّیّت را درک کنند. بنده بارها گفته‌ام، آموزش‌وپرورش و هزینه کردن برای معلّم، سرمایه‌گذاری است! برای معلّم هزینه کنند. این یکی از وظایف ما -وظایف مسئولین کشور و وظایف دولت- است.

یک نکته‌ی دیگری که در ذیل آن تمجید و تکریم از معلّم باید عرض کرد، این [است] که معلّمین، خودشان را برای این مسئولیّت بزرگ آماده کنند. خب، معلّم خود را به چه وسیله آماده کند؟ با وسایلی که دستگاه کشور در اختیار او میگذارد. لذا من الان اینجا تأکید میکنم، دانشگاه فرهنگیان را مسئولین جدّی بگیرند ؛ دانشگاه فرهنگیان را -که تولیدکننده‌ی معلّم است- جدّی بگیرند ؛ هرچه میتوانند برای این سرمایه‌گذاری کنند ؛ به یک لحاظ، اهمّیّت این دانشگاه از همه‌ی دانشگاه‌های دیگر بیشتر است.

هر معلّم یک پرورنده -یعنی معلّم اخلاق- هم هست ؛ معلّم ریاضیّات، معلّم فیزیک، معلّم طبیعی، در عین حال معلّم اخلاق هم هست. گاهی یک معلّم سر کلاس، فرض بفرمایید در وسط درس هندسه یا درس شیمی، در زمینه‌ی مسائل معنوی یا در زمینه‌ی خداشناسی یک کلمه بر زبانش جاری میشود که گاهی آن یک کلمه، بیش از یک کتاب در ذهن دانش‌آموز اثر میگذارد و باقی میماند ؛ با اخلاق خود، با منش خود ؛ معلّم دارای اخلاق، پرورنده‌ی اخلاق در دانش‌آموز است. معلّم منیع‌الطبع، (۴) معلّم صبور، معلّم متدیّن، معلّم متین، این خصوصیّات و خصلتها را با رفتار خود به دانش‌آموز خود منتقل میکند ولو یک کلمه هم در این زمینه‌ها حرف نزند ؛ این نقش معلّم است. معلّم بنابراین بسیار مهم است. از اینجا است که بنده همیشه از سالها پیش اعتراض داشتم به کسانی‌که جامعه‌ی معلّمین را در زمینه‌های سیاسی مثل یک ابزار میخواهند به کار ببرند ؛ این جفا است. این مال امروز نیست ؛ مال سالهای دهه‌ی ۶۰ [است] ؛ بعضی از این کارها میکردند. شأن معلّم اینها است ؛ نمیشود این الماس قیمتی را وسیله‌ی یک‌قل‌دوقل قرار داد و با آن بازی کرد. معلّم شأنی دارد، جایگاهی دارد ؛ این جایگاه معلّم است.

البتّه اینجا من اطّلاع پیدا کردم که در آینده‌ی نه چندان دوری یک تعداد خیلی زیادی معلّم -حالا من رقم نگویم- بازنشسته خواهند شد و نیاز به معلّم وجود خواهد داشت ؛ این از جمله‌ی نیازهای نزدیک آینده‌ی آموزش‌وپرورش است. خب چه کار کنیم؟ فرض بفرمایید ظرفیّتِ دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه شهید رجائی هم جواب نمیدهد. چه کار کنیم؟ راه را باز کنیم و همین‌طور بی‌حساب‌وکتاب افراد را وارد آموزش پرورش کنیم؟ نه، باید فکر کرد. اوّلاً در درجه‌ی اوّل ظرفیّتهای این دانشگاه‌های معلّم‌پرور را باید تا آنجایی که ممکن است افزایش داد، این از همه مقدّم است ؛ اگر این هم جواب ندهد باید ضابطه گذاشت ؛ مراکز اصلی بنشینند، ضابطه بگذارند برای [جذب] معلّم. این یک جمله درباره‌ی معلّم.

امّا در مورد آموزش و پرورش ؛ آموزش و پرورش زیرساخت اصلی علم و تحقیق در کشور است. زیرساخت‌های کشور خیلی مهم است ؛ زیرساخت‌های مهندسی کشور، زیرساخت‌های علمی کشور، زیرساخت‌های ادبی و فرهنگی کشور، اینها خیلی مهم است. وقتی در یک کشوری، زیرساخت‌ها در یک بخش فراهم بود، تولید در آن بخش آسان خواهد شد. زیرساخت علم و تحقیق، آموزش‌وپرورش است. اگر آموزش‌وپرورش با سیاستهای خود، با رفتارهای خود، با برنامه‌ریزی‌های درست خود، حرکت درستی را دنبال بکند، این زیرساخت روزبه‌روز بهتر و قوی‌تر خواهد شد ؛ در زمینه‌ی علم و تحقیق که نیاز اصلی و اساسی و بلندمدّت و میان‌مدّت و کوتاه‌مدّت ما است، کشور غنی خواهد شد ؛ اهمّیّت آموزش‌وپرورش این است. اگر ما آموزش‌وپرورش را به حال خودش رها کنیم، دقّت لازم را نکنیم و در آموزش‌وپرورش مشکل درست بشود، این زیرساخت لطمه خواهد خورد ؛ آن‌وقت ضررش دیگر غیر قابل محاسبه

است.

یک‌وقتی در زمان طلبگیِ ما در قم، یک خیّاط فهیم و دانایی در قم داشتیم که لباس طلبگی درست میکرد و قبا درست میکرد. برای یکی از علمای معروف آن روز قم، قبا درست کرده بود ؛ آن عالم، ظاهراً یک ایرادی گرفته بود به این قبا ؛ ایشان گفته بود که «آقا! اِذا فسد الخیّاط، فَسَدَ القبا ؛ امّا اِذا فَسَدَ العالِم، فَسَدَ العالَم» ؛ (۵) من اگر کارم را درست انجام ندهم، قبای شما یک خُرده اینجایش مثلاً اشکال پیدا میکند امّا شما اگر خدای‌نکرده اشکالی پیدا کردید، «فَسَدَ العالَم» میشود. ببینید، حالا خدای‌نکرده «اذا فسد آموزش‌وپرورش» شما ببینید چه اتّفاقی در کشور می‌افتد.

وظیفه‌ی آموزش‌وپرورش، تربیت یک نسل است ؛ وقتی در نگاهِ میان‌مدّت نگاه میکنیم، یک نسل را برای یک دوره‌ی آینده میخواهد تربیت کند. چه‌جوری تربیت خواهد کرد؟ چه تربیت خواهد کرد؟ آموزش‌وپرورش [باید] بتواند نسلی تربیت بکند باایمان ؛ اصلش ایمان است. بچّه‌های لاابالی و هُرهُری‌مذهب (۶) که به هیچ‌چیز پابند نیستند، اینها در آینده‌ی کشور، نه برای خودشان مفیدند، نه برای کشور مفیدند، نه برای جامعه مفیدند ؛ اوّل ایمان است. نسل باایمان، باوفا، مسئولیّت‌پذیر، دارای اعتماد به نفس، دارای ابتکار، راست‌گو، شجاع، نسل باحیا، بافکر، اهل فکر کردن، اهل به کار گرفتن اندیشه، عاشق کشور، عاشق نظام، عاشق مردم، [نسلی که] کشورش را دوست بدارد، مصالح کشورش را مصالح شخص خودش بداند، از آنها دفاع کند ؛ یک چنین نسلی باید پرورش پیدا کند ؛ یک نسل محکم، قوی، عازم، جازم، (۷) باابتکار، پیشرُو، فعّال ؛ این‌جور نسلی [لازم است] ؛ این کار آموزش‌وپرورش [است] ؛ ببینید چه کار با اهمّیّتی است! میگوییم کار آموزش‌وپرورش، نمیگوییم کار معلّم. با اینکه وسیله معلّم است، امّا معلّم، تنها عامل ایجاد یک چنین نسلی نیست ؛ آموزش‌وپرورش است که فضا را فراهم میکند برای معلّم، برای دانش‌آموز، برای اولیا، برای طرّاحان، برای نویسندگان کتابهای درسی ؛ اینها همه مؤثر است ؛ آموزش‌پرورش است که این کارها را انجام میدهد.

این را توجّه داشته باشید، گزارشهایی که به من میرسد نشان میدهد که یک جریانی -این را من «جریان» احساس میکنم- در کشور سعی میکند آموزش‌وپرورش را از چشمها بیندازد ؛ ارزش آموزش‌وپرورش را و اعتماد به آموزش‌وپرورش را در دلها از بین ببرد ؛ مقاصدی دارند. این [جریان] از بیرون هم هدایت میشود. حالا بعضی‌ها لجشان میگیرد ؛ تا ما میگوییم دستهای خارجی، میگویند شما مدام به خارجی‌ها حمله میکنید! نه، ما ضعفهای خودمان را می‌بینیم ؛ اگر ما قوی باشیم، آن خارجی هیچ غلطی نمیتواند بکند، امّا او از همین ضعفهای ما است که دارد استفاده میکند، برنامه‌ریزی میکند، نقشه میکشد، نفوذ میکند ؛ راه‌های مستقیم را کج میکند، معوج میکند.

یکی از اشکالات آموزش‌وپرورش ما، بیماری دانشگاه‌گرایی است. در سطح محیط دانش‌آموزی ما دانشگاه‌گرایی وجود دارد ؛ یعنی اگر کسی بخواهد درس بخواند و به دانشگاه نرسد، کأنّه درس نخوانده ؛ این خطا است، این غلط است، لزومی ندارد. ما این‌قدر در کشور نیازهای فوری، فوتی، لازم و مهم داریم که هیچ احتیاجی به تحصیلات دانشگاهی ندارد ؛ احتیاج به مدرک دکتری و ارشد و غیرذلک ندارد ؛ این‌که بنده سالهای متمادی -چندین بار تا حالا- روی این هنرستان‌ها و فنّی‌حرفه‌ای‌ها تکیه میکنم، به‌خاطر این است. این بخشهای مربوط به فنّی‌حرفه‌ای را باید تقویت کرد، باید افزایش داد. خیلی‌ها هستند که در تحصیلات مربوط به هنرستان کار کرده‌اند، در فنّی‌حرفه‌ای پیش رفته‌اند، یاد گرفته‌اند، بلد شده‌اند که چه کار کنند، آمده‌اند، مشغول کار کردنند ؛ هم زندگی مادّی‌شان تأمین است، هم ازلحاظ روحی شادابند، هم دارند به جامعه خدمت میکنند ؛ این بهتر است یا آن که زحمت کشیده و مدرک دکتری هم گرفته، [امّا] بیکار نشسته آنجا، کار پیدا نمیکند، یا اگر کاری هم پیدا بکند، یک کار سطحیِ کم‌ارزش در فلان دستگاه یا در فلان اداره که [بگویند] برو به‌عنوان مثلاً مشاور یا مانند اینها آنجا بنشین! چه ارزشی دارد این‌همه

درس خواندن و این‌همه زحمت کشیدن؟ دانشگاه‌گرایی خطا است.

بله، ما نیاز به علم داریم، نیاز به تحقیق داریم ؛ هرچه در زمینه‌ی علم پیش برویم، زیاد نیست ؛ این را من سالها است دارم میگویم و بحمدالله پیشرفت هم کرده‌ایم، امّا معنایش این نیست که هرکسی پایش را میگذارد در دبستان یا دبیرستان، هدف خودش را دانشگاه بداند ؛ نه، هزاران کار وجود دارد که اینها احتیاج به دانشگاه ندارد، احتیاج به آن هزینه‌ی سنگین ندارد، آن شور و شوق و استعداد لازم [دانشگاهی] را نیاز ندارد. اینها را ما از یاد نبریم ؛ اینها ثروتهای ما است، ثروت ما است. این جوانی که میتواند در فنّی‌حرفه‌ای کار بکند و به یک جایی برسد -در هر زمینه‌ای: در زمینه‌های هنر، در زمینه‌های صنعت، در زمینه‌های فنّی و غیره- این ثروت ملّی است، این مال کشور است ؛ باید از او استفاده بشود.

یک مسئله‌ی مهمّ دیگر، این مسئله‌ی سند تحوّل است. خب، دوستان و مسئولین مجرّب و باسابقه نشستند، زحمت کشیدند، سند تحوّل را درست کردند ؛ خیلی خوب، ابلاغ هم شد. شروع شد که عملیّاتی بشود ولی تا حالا پنج شش سال هم گذشته، [امّا] نشده ؛ چرا؟ تا کِی باید نشست تا این نظام‌نامه‌هایی که گفته میشود در ذیل سند تحوّل باید تحقق پیدا کند، تنظیم بشود؟ این کار باید زود انجام بگیرد. معلوم میشود شور و شوق لازم نیست، انگیزه‌ی لازم نیست. بنده جدّاً از وزیر محترم و مسئولین محترم میخواهم که مسئله‌ی تحوّل را جدّی بگیرند. آموزش‌وپرورش ما نیازمند تحوّل است. این سند تحوّل نشان‌دهنده‌ی این است که ما نیاز داریم به تحوّل. تحوّل هم صِرف عوض کردن ظواهر کار نیست، یعنی یک کار عمقی باید انجام بگیرد. آن‌طور که متخصّصین این‌کار میگویند -چون بنده که تخصّص این کار را ندارم- این سند تحوّل علی‌الظّاهر میتواند ؛ کفالت میکند و کفایت میکند این را ؛ باید دنبال کنند.

یک مسئله‌ی دیگر هم من اینجا عرض بکنم: این سند ۲۰۳۰ سازمان ملل و یونسکو و این حرفها، (۸) اینها چیزهایی نیست که جمهوری اسلامی بتواند شانه‌اش را زیر بار اینها بدهد و تسلیم اینها بشود. به چه مناسبت یک مجموعه‌ی به‌اصطلاح بین‌المللی‌ای -که قطعاً تحت نفوذ قدرتهای بزرگ دنیا است- این حق را داشته باشد که برای کشورهای مختلف، برای ملّتهای گوناگون، با تمدّنهای مختلف، با سوابق تاریخی و فرهنگی گوناگون، تکلیف معیّن کند که شما باید این‌جوری عمل کنید؟ اصل کار، غلط است. اگرچنانچه با اصل کار شما نمیتوانید مخالفت بکنید، حدّاقلّش این است که بایستید بگویید جمهوری اسلامی خودش ممشیٰ دارد، خطّ‌وربط دارد، ما سندهای بالادستی داریم، ما میدانیم باید در زمینه‌های آموزش، پرورش، اخلاق، سبک زندگی چه‌کار کنیم ؛ احتیاج به این سند وجود ندارد. اینکه ما برویم سند را امضا کنیم و بعد هم بیاییم شروع کنیم بی‌سروصدا اجرائی کردن، نخیر، این اصلاً مطلقاً مجاز نیست ؛ ما اعلام هم کرده‌ایم به دستگاه‌های مسئول. بنده از شورای عالی انقلاب فرهنگی هم گله‌مند هستم ؛ آنها باید مراقبت میکردند، نباید اجازه میدادند این کار تا اینجا پیش بیاید که ناچار بشویم ما جلوی آن را بگیریم و ما وارد قضیّه بشویم. اینجا جمهوری اسلامی است ؛ اینجا، مبنا اسلام است، مبنا قرآن است ؛ اینجا جایی نیست که سبک زندگی معیوبِ ویرانگر فاسدِ غربی بتواند در اینجا این‌جور اِعمال نفوذ کند. البتّه متأسّفانه اِعمال نفوذ دارند میکنند و از طُرق مختلف وارد میشوند امّا [اینکه] این‌جور به‌طور رسمی سند به ما بدهند که «تا پانزده سال دیگر باید شما این‌جوری بکنید، این‌جوری بکنید»، ما هم بگوییم بله، معنی ندارد این کار.

خب، صحبت طولانی شد. ما با شما عزیزان آموزش‌وپرورش خیلی حرف داریم. چند برابر آنچه عرض کردم، حرف هست برای گفتن با شما منتها مجال نیست که حالا همه‌ی آن مطالب را عرض بکنیم ؛ یک‌قدری طولانی شد لکن یک جمله راجع به انتخابات عرض بکنم.

برادران و خواهران عزیز و همه‌ی ملّت ایران که خواهید شنید! بدانید که انتخابات حیاتی است ؛ نه این انتخاباتِ

بالخصوص، [بلکه] همه‌ی انتخابات‌های کشور، بخصوص انتخابات ریاست جمهوری که از همه مهم‌تر است، در همه‌ی دوره‌ها، واقعاً برای کشور حیاتی است ؛ هم به لحاظ نقس انتخابات مهم است -که این یک مقوله‌ی مهمّی است ؛ خب جمهوری اسلامی است ؛ جمهوری، ما جمهوری هستیم ؛ مناصب ما و مقامات ما برآمده‌ی از جمهور ملّت است، از مردم است ؛ این را بایستی ما با کمال دقّت حفظ کنیم، این خیلی باارزش است ؛ اگر این [انتخابات] در نظام جمهوری اسلامی وجود نمیداشت، امروز از نظامی که با آن انقلاب به وجود آمد، خبری باقی نبود، این خیلی مهم است ؛ از دل اسلام این معنا درمی‌آید و استفاده میشود ؛ این‌جور نیست که ما جمهوری را گرفته باشیم و منضمّ (۹) به اسلام کرده باشیم ؛ نه، خود اسلام به ما این‌جور یاد میدهد ؛ حالا این یک مقوله‌ای است- لکن علاوه‌ی بر این، آنچه برای اداره‌ی کشور و حفظ کشور و منافع ملّت به صورت فوری، فوتی لازم است، حضور مردم است ؛ حضور مردم است! حضور مردم است که گره‌گشا است، حضور مردم است که دشمنان را از هیبت جمهوری اسلامی میترسانَد ؛ این واقعیّتی است، این را بدانید.

جمهوری اسلامی در چشم دشمنانش هیبت دارد ؛ این هیبت ناشی از چیست؟ ناشی از امثال حقیر و مانند اینها است؟ ابداً، این ناشی از مردم است، ناشی از این حضور عظیم مردمی است، ناشی از این احساسات و عواطفی است که خودش را در همه‌ی عرصه‌ها و صحنه‌های حضور نشان میدهد ؛ بنده این را میگویم ؛ نیایند حرفی را که بنده بصراحت بیان کرده‌ام، تعبیر کنند و تأویل کنند و بگویند «نخیر ؛ مراد فلانی این است که این حضور مردم -فرض کنید- یک دولتی را سر کار می‌آورد که آن دولت [هیبت ایجاد میکند]» ؛ نه آقا! دولتها تأثیری ندارند. [مگر] یادتان رفته که در دهه‌ی ۷۰، یکی از دولتهای اروپایی، رئیس‌جمهور ما را متّهم کرد و به دادگاه احضار کرد؟ (۱۰) رئیس‌جمهور ایران را! با اینکه اتّفاقاً آن رئیس‌جمهور با آن دولت، روابطشان روابط خیلی نزدیکی بود ؛ باهم پیام مبادله میکردند، نماینده میفرستادند، نامه میدادند، گاهی شاید تلفنی صحبت میکردند -حالا این تلفنی‌اش یادم نیست امّا مرتّب نامه و نامه‌نگاری- و او اظهار [دوستی میکرد] ؛ همان دولت، رئیس‌جمهور ما را با وجود اظهار دوستی و ارادت و علاقه، در دادگاه‌های کشورش به‌صورت متّهم احضار کرد! توی دهنش زدیم که عقب نشست ؛ اگر توی دهنش نمیخورد، پیش میرفتند. دشمن، دشمن است ؛ این دولت و آن دولت ندارد. اگر بتواند دشمنی کند، اگر بتواند زهرش را بریزد، میریزد ؛ ملاحظه‌ی هیچ‌کس را هم نمیکند. ملاحظه‌ی لفّاظی و زبان‌بازی و موضع‌گیری سیاسی و مانند اینها را هم اصلاً نمیکند ؛ دشمن است دیگر. آن چیزی که مانع میشود دشمن اِعمال دشمنی کند، ترس از حضور مردم است. میبینند که اگرچنانچه دشمنی بکند، نتیجه بعکس خواهد شد ؛ برای خاطر اینکه یک کشور هشتاد میلیونی در مقابلش می‌ایستد. این شوخی است؟ هشتاد میلیون جمعیّتیم ما ؛ کشور باعظمت، با مردم آگاه و هوشمند، با نیروی انسانی قوی، با این‌همه جوان ؛ این است که در چشم دشمن ابُّهت ایجاد میکند، عظمت ایجاد میکند برای نظام جمهوری اسلامی. این را توجّه داشته باشید.

اگر میخواهید این احساس، این عظمت، این مصونیّت باقی بماند برای ما، باید در انتخابات شرکت کنید ؛ اگر میخواهید نظام جمهوری اسلامی، اقتدار خودش را در چشم جهانیان -چه دشمن، چه دوست- حفظ بکند، باید در انتخابات شرکت کنید. حضور در انتخابات، حفظ اقتدار کشور است، حفظ ابُّهت کشور است، حفظ مصونیّت کشور است ؛ این است. اگرچنانچه در مورد انتخابات کوتاهی بشود، عواملی دست‌اندرکار بشوند که مردم را دلسرد کنند، مأیوس کنند و کوتاهی بشود در انتخابات، به کشور لطمه خواهد خورد، ضربه خواهد خورد ؛ هرکسی هم در این لطمه سهیم باشد، پیش خدای متعال مسئول است. باید در انتخابات، همه شرکت کنند. البتّه سلایق مختلف است، نظرات مختلف است، مذاقهای سیاسی مختلف است ؛ شما زید را می‌پسندی، شما عمرو را میپسندی ؛ شما به زید رأی میدهی، شما به عمرو رأی میدهی ؛ اشکالی هم ندارد ؛ اینها مهم نیست، مهم این است که همه بیایند، همه باشند، همه نشان بدهند که حاضرند از اسلام، از نظام اسلامی، از جمهوری اسلامی حمایت کنند، دفاع کنند، مصونیّت کشورشان را حفظ کنند. و بدانید! اگرچنانچه این همّت، این اراده -به حول و قوّه‌ی الهی- در مردم ما، با همین شدّت

و ابُهتی که وجود دارد ادامه پیدا کند، دشمن هرگز هیچ غلطی در مقابل کشور نخواهد توانست بکند.

پروردگارا! آنچه گفتیم و شنیدیم برای خودت و در راه خودت قرار بده. پروردگارا! روح مطهّر شهدا، روح امام بزرگوار، ارواح طیبّه‌ی بزرگان اسلام را مشمول رحمت و لطف خودت قرار بده.

والسّلام علیکم و رحمةالله

۱) در ابتدای دیدار، آقای فخرالدّین احمدی دانش‌آشتیانی (وزیر آموزش و پرورش) گزارشی ارائه کرد.
۲) اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۶۸۷ (مناجات شعبانیّه)
۳) حاضر و آماده
۴) بلندهمّت
۵) خنده‌ی حضّار
۶) بی‌اعتقاد و بی‌بندوبار
۷) استوار، مصمّم
۸) سند آموزش ۲۰۳۰ یونسکو با رویکرد تأثیر بر همه‌ی حوزه‌های آموزشی کشورها، در سال ۲۰۱۵ میلادی و برای اقدام عملی کشورها، در سازمان ملل متّحد ارائه شد. جمهوری اسلامی ایران نیز از کشورهای شرکت‌کننده در این اجلاس بود که متعهّد به اجرای این سند شد و در سال ۱۳۹۵، سند ملّی آموزش ۲۰۳۰ جمهوری اسلامی ایران را تصویب کرد.
۹) متّصل، ضمیمه‌شده
۱۰) درپی اعلام رأی نهائی دادگاه میکونوس در برلین در فروردین‌ماه سال ۱۳۷۶، این دادگاه آلمانی چند نفر -از جمله رئیس‌جمهور وقت ایران- را متّهم کرد.